

جایگاه «کدخدایان» روستای ارمنی - مسیحی زرنه در عصر پهلوی با تکیه بر اسناد آرشیو آستان قدس رضوی

حسن صادقی سمرجانی

استادیار گروه باستان‌شناسی و تاریخ دانشگاه نیشابور

تاریخ پذیرش: (۱۳۹۹/۰۵/۰۷)

تاریخ دریافت: (۱۳۹۹/۰۲/۲۰)

The Position of Kadkhodas in the Armanian-Christian Village of Zarneh in the Pahlavi's Era Based on Astan Quds Razavi's Archival Documents

Hassan Sadeghi Samarjani

Assistant Professor, Department of Archeology and History, University of Neyshabur

Received: (2020 /05 /09)

Accepted: (2020 /07 /25)

Abstract

With the establishment of the Pahlavi's regime in 1925, Iran was largely separated from the traditional and pre-modern positions of its state and took on more or less a quasi-modern form. One of the important bureaucratic positions, which had a regular and extensive relationship with the central government, was the position of Kadkhoda. Although Kadkhoda was the authority and his main duty was to supervise the all-encompassing affairs of the peasantry and to provide accurate and detailed annual reports to the government, in practice he became immensely involved in bureaucracy. In the present article, the author intends to describe the real functions of Kadkhoda by scrutinizing the documents of *Khachik Tahmasian*; the Kadkhoda of Zarneh village of Isfahan. Such Kadkhoda's great and novel duties have mainly been absent from historical accounts made about the status of government during the Pahlavi era. The article is written based on historical research methods and documentary sources.

Keywords: Isfahan, Zarneh, Kadkhoda, *Khachik Tahmasian*, Astan Quds Razavi.

چکیده

با تأسیس حکومت پهلوی در سال ۱۳۰۴ خورشیدی، کشور ایران تا حدود زیادی از کارکردهای سنتی مناصب دولتی و پیشامدرن خود جدا شد و شکلی شبه‌مدرن به خود گرفت. یکی از این مناصب که ارتباط منظم و گسترده‌ای با حکومت یافت، کدخدا بود. با اینکه اقتدار کدخدا گسترده شد، اما در عمل گرفتار دیوانسالاری اداری گشت که مسئولیتش نظارت همه‌جانبه بر امور روستاییان و گزارش‌های دقیق و جزئی سالانه به حکومت بود. این نوشته بر آن است تا کارکردها و مسئولیت‌های کدخدا را از لابلاهای اسناد خاچیک طهماسیان؛ کدخدای روستای زرنه اصفهان در محدوده سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۴۸، مشخص کند؛ وظایفی که پیش از آن در تاریخ‌نگاری مناصب ایران دوره پهلوی، پوشیده مانده و گستردگی و جدید بودن این نظارت‌ها را از سوی کدخدای روستا نشان می‌دهد. این مقاله براساس روش تحقیق تاریخی و بر پایه منابع اسنادی نوشته شده است.

کلیدواژه‌ها: اصفهان، زرنه، کدخدا، خاچیک طهماسیان، آستان قدس رضوی.

۱. مقدمه

جامعه ایرانی از همان نخستین مراحل تاریخی ورود به عرصه تمدنی با مفهوم کدگ‌خدای پهلوی، در معنای صاحبخانه، آشنایی داشت (بختیاری و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۰). این کلمه بعدها در طول زمان، معانی متفاوتی به خود گرفت و از رئیس ده تا بزرگ محله و نگهبان شهری تا اعیان یک محله شهری را در بر گرفت (Floor, Kadkhoda, Iranica, پری، ۱۳۸۲: ۳۹۵) و گاه حتی برای حاکمان منطقه‌ای کاربرد یافت (بیهقی، ۱۳۸۳: ۳۴۳). از آنجا که تأکید نویسنده در این نوشته بر کدخدای روستا و کارکردهای او متمرکز است، باید پذیرفت که این منصب در روستا به معنای نماینده و اداره کننده ده بود. (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۲)

درباره کدخدا به زبان فارسی چند مقاله منتشر شده، از جمله «منصب کدخدا در جامعه روستایی دوره قاجار»، تألیف محمد بختیاری و دیگران، که تمرکزش بر وظایف کدخدا در عصر قاجار است و نوشته‌اش مبنای کتابخانه‌ای دارد (بختیاری و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۸) و متکی به اسناد نیست. از این جهت مقاله او به اثر دیگری با عنوان کدخدا در دوره قاجاریه از صالح‌نژاد و دیگران شباهت دارد که پیش‌تر نوشته شده و اشکال متنوع‌تری از مفهوم کدخدا را در این عصر در برمی‌گیرد (صالح‌نژاد؛ یحیائی؛ ابوالشری، ۱۳۹۱: ۱۴۴-۱۴۶). مقاله دیگری نیز منصب کدخدا را بر اساس مصوبه‌های مجلس شورای ملی پی گرفته است که نتیجه‌اش، روشن کردن نظری مسئولیت‌ها و کارکردهای کدخدا در جامعه ایرانی است و در آن نهایتاً

نتوانسته پاسخی درخور به منشأ سنتی یا قانونی اقتدار کدخدا در عصر پهلوی بدهد که ضعف آن از عدم دسترسی به اسناد مناسبات کدخدا با حکومت سرچشمه می‌گیرد (یوسفی‌فر؛ جنگجو، ۱۳۹۳: ۴۶). به عبارت دیگر، اسناد حکومتی، اسنادی یک‌سویه‌اند که در آن دستوراتی ارائه شده اما مشخص نیست که در آن‌سو، کدخدا چگونه و تا چه اندازه این دستورات را عملی می‌کرده است. در اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی، مجموعه اسنادی از روستای زرنه^۱ وجود دارد که تقریباً به روشنی مسئولیت‌ها و مناسبات کدخدا را در جامعه روستایی ایران عصر پهلوی نشان می‌دهد. در حدود سه کارتن و کمتر از حدود هزار سند به طور مستقل درباره حوزه مسئولیت‌های کدخدا در روستای زرنه عصر پهلوی اول و به‌ویژه دوره محمدرضا شاه پهلوی در مرکز آرشیو آستان قدس رضوی وجود دارد.

به گواهی اسناد، شش دانگ روستای زرنه، که در بخش فریدن شهر اصفهان قرار داد، به هیئت مدرسه شاه عباسی آرامنه جلفای اصفهان متعلق است و سهمیه درآمد آن هم به‌وسیله آن هیئت به مصرف مدارس، امور بهداشتی جلفای اصفهان و مریض‌خانه و سایر کارهای عام‌المنفعه می‌رسد. (۱۳۳۱ش/ ساکماق ۱۴۵۰۷۷)

هدف مقاله حاضر، تعیین دامنه مناسبات کدخدا با حکومت و مشخص کردن کارکردها و مسئولیت‌های او در روستا است که در اسناد

۱. روستای زرنه در حال حاضر از توابع شهرستان بویین میاندشت، در استان اصفهان و تنها روستای ارمنی‌نشین در ایران است.

در نظر گرفتن قانون رضاشاه، مبنی بر انتخاب کدخدا از سوی زمینداران، وی دیگر نماینده مردم محسوب نمی‌شده است (آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۱۸۶). شیوه انتخاب او در اسناد مزبور به این صورت بوده است که ابتدا مالکان روستای زرنه به پیشنهاد نایب‌الحکومه منطقه فریدن، امر کدخدایی را به خاجیک طهماسیان واگذار می‌کنند و او با امضای حکومت فریدن و با سربرگ وزارت داخله، منصب کدخدا را به دست می‌آورد (۱۳۰۹- ۱۳۲۳ ش/ ساکماق^۱ ۱۴۴۸۴۷) و از سوی دیگر، معتمدان محلی روستا نیز بر این انتخاب صحه می‌گذارند (۱۳۱۶ ش/ ۱۴۴۸۷۵) و به حکومت فریدن در این خصوص اطلاع‌رسانی می‌کنند (۱۳۱۷ ش/ ۱۴۴۸۷۸). با این حال ریش سفیدان نقش بسیار کمرنگی در انتخاب خاجیک طهماسیان ایفا می‌کردند.

حقوق و مواجب کدخدا در آثار مورخان و سفرنامه‌نویسان مشخص نیست اما دانسته است که از اهالی روستا یا احتمالاً از طرف حکومت، پرداخت‌هایی انجام شده است (آرشیو سازمان اسناد ملی، ۲۹۶۰۰۶۴۷). مقرری نامنظم کدخدا حتی در قانون مصوب ۱۳۱۶ هم حل نشده باقی ماند. آن‌طور که از اسناد این منطقه مشخص است، شکل پرداخت حقوق کدخدا متفاوت‌تر از قانون کدخدایی به نظر می‌رسد به این معنا که حقوق کدخدا از طریق رعایای محلی پرداخت می‌شده است (۱۳۲۴ ش/ ۱۴۴۹۲۶). این موضوع مشکلاتی را

خاجیک طهماسیان، به‌شکلی دوسویه در قالب نامه‌نگاری‌های رسمی و دولتی، به صورت شفاف و کامل بیان شده و حدود نیم قرن این وظایف و مسئولیت‌های دهیاری ادامه داشته است.

روش تحقیق در این نوشته، روش تحقیق تاریخی و مبنای جمع‌آوری داده‌ها، اسناد خاجیک طهماسیان است.

۲. منصب کدخدا

برگزیدن منصب کدخدا به پیشنهاد حکومت و با موافقت نهایی مردم صورت می‌گرفت و گاه از طریق ارث به افراد منتقل می‌شد. چنانچه فرد منتخب، مورد تأیید مردم نبود، آشفته‌گی اجتماعی ایجاد می‌شد (سیوری، ۱۳۸۹: ۱۷۷). در واقع مدیریت عمومی روستا با کدخدا بود و ناگفته پیداست که در عصر قاجار، قانونی نبود تا حدود مسئولیت‌های این منصب را مشخص کند (یوسفی- فر؛ جنگجو، ۱۳۹۳: ۳۰) اما انتخاب او از دوره قاجار تا دوره پهلوی تفاوت چندانی نداشت (بختیاری و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۲). به نظر می‌رسد انتخاب کدخدا در روستای زرنه در چارچوب قانون کدخدایی مصوب در سال ۱۳۱۴ صورت می‌گرفت. در ماده اول این قانون آمده است که کدخدا نماینده مالک و مسئول اجرای قوانین و نظامنامه‌هایی است که از طرف دولت به او مراجعه می‌شود. گرچه قانون کدخدایی در عصر مشروطه به تصویب رسید اما تا زمان تأسیس حکومت پهلوی مجال اجرایی شدن نیافت.

به نظر می‌رسد با توجه به اسناد روستای زرنه، کدخدا کاملاً منطبق با وظایفش عمل می‌کرده و با

۱. ساکماق مخفف نام سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی است.

برای کدخدا به وجود می‌آورد و پرداخت حقوق وی را نامنظم می‌کرد که به نامه‌نگاری و شکایت کدخدا به بخشداری نظامی و فرمانداری فریدن منجر می‌شد (۱۳۲۳-۱۳۲۴/ش/۱۴۴۹۲۲). در مقابل بخشدار فریدن، تعیین تکلیف و نظارت بر پرداخت حقوق کدخدای روستای زرنه، یعنی خاچیک طهماسیان را برعهده داشت. (۱۳۴۳/ش/۱۴۵۰۵۸)

۳. وظایف عمومی کدخدا

در دوره مورد بحث، نقش کدخدا به عنوان اداره کننده امور روستایی تثبیت شده بود و او در عمل، عامل حکومت در روستاها به حساب می‌آمد و در کنار نقش سنتی‌اش، منصب اداری نیز داشت. (یوسفی‌فر؛ جنگجو، ۱۳۹۳: ۳۱)

انتصاب و پرداخت حقوق، با تعهداتی دو سویه از سمت کدخدا و حکومت همراه بود. حال این وظایف چه بود؟ به طور خلاصه در سندی مسئولیت‌های خاچیک طهماسیان، کدخدای روستای زرنه، این‌گونه خلاصه شده است که کدخدا با معرفی مالک و پیشنهاد بخشدار و حکم فرماندار تعیین می‌گردد. کدخدا مسئول اجرای قوانین مصوب فرمانداری و بخشداری، جلوگیری از فرار متهمان، و نیز یادآوری احضار مشمولین سرباز است و چنانچه درباره امور زراعی فرو گذار نماید، به تقاضای مالکین منعزل می‌شود (۱۳۲۵/ش/۱۴۵۰۸۹). در مقابل بخشدار نظامی فریدن، به افرادی که در وظایف کدخدا دخالت کنند، هشدار داده است، اما در ظاهر این نامه‌ها جدی تلقی نمی‌شده است (۱۳۲۲/ش/۱۴۴۹۲۱). با

وجود روشن بودن مسئولیت‌های کدخدا و تأکید حکومت مبنی بر ممنوع بودن دخالت ماموران دولتی در امور کدخدایان (۱۳۱۴/ش/۱۴۴۸۵۶)، نامه‌هایی از خاچیک طهماسیان به فرماندار نظامی چهارلنگ و فریدن اصفهان موجود است که درخواست رسیدگی به مداخله آواکم، کشیش روستا، در امور مربوط به او را دارد (۱۳۲۲/ش/۱۴۴۹۱۷). کدخدا حتی در نامه‌ای دیگر از دخالت فردی به نام لئو شاه‌یجانیان در مسئولیت‌های اداری او نام می‌برد و درخواست پیگیری دارد (۱۳۲۳/ش/۱۴۴۹۲۳). آن‌طور که از اسناد این روستا برمی‌آید، خاچیک طهماسیان از سال ۱۳۰۹ تا ۱۳۴۳ که ۳۴ سال را در برمی‌گیرد، منصب کدخدایی را برعهده داشته است و گاهی به‌رغم درخواست اهالی روستا، مبنی بر تعیین مجدد کدخدا به فرمانداری شهرستان فریدن به دلیل تخلفاتش، همچنان بر سرکار بوده است (۱۳۴۳/ش/۱۴۵۰۵۹). حال این تخلفات اداری چه بود، مشخص نیست. اسناد به طور کلی از نقش کدخدا در اغتشاش و هرج و مرج در روستای زرنه سخن می‌گویند اما به جزئیات آن نمی‌پردازند. روستاییان از جمله سرجوخه‌ها و کشاورزان در موارد متعدد به فرماندهی لشکر ۹ اصفهان و فرمانداری شهرستان فریدن، نامه‌هایی مبنی بر تخلفات کدخدا یا عدم همکاری کدخدا با انجمن روستا نوشته‌اند (۱۳۲۴/ش/۱۴۴۹۲۷، ۱۳۳۶/ش/۱۴۵۰۲۷، ۱۳۴۰/ش/۱۴۵۰۴۹، ۱۳۴۵/ش/۱۴۵۰۶۸). بنابراین در یک نتیجه‌گیری اولیه می‌توان گفت که کدخدا همیشه عنصر مطلوبی در روستا محسوب نمی‌شد.

نقش کدخدا از دهه ۱۳۳۰، با ایجاد مناصب

(۱۳۱۹ش/۱۴۴۸۸۳). مرمت و تعمیرات همین مدرسه در دهه بعد نیز به عهده دانش‌آموزان بود که با دستور مستقیم کدخدای روستا به انجام می‌رسید. (۱۳۳۲-۱۳۳۹ش/ ۱۴۴۹۸۵؛ ۱۳۳۲-۱۳۳۴/ ۱۴۴۹۸)

دخالت و نظارت کدخدا در امور مدرسه به امور کلی مانند تأسیس و مرمت مدرسه محدود نبود، بلکه جزئیات عملکرد آموزشی روستای زرنه را نیز در برمی‌گرفت. مدیران مدرسه مکرر از کدخدا درخواست داشتند که اهالی را تشویق کند تا فرزندانشان به‌جای کار در مزارع، در مدارس نام‌نویسی کنند (۱۳۱۹-۱۳۳۱ش/ ۱۴۴۸۹۱؛ ۱۳۳۰/ ۱۴۴۹۷۰) و حتی فرصت تحصیل برای اکابر و سالمندان روستا نیز فراهم شود (۱۳۳۲/ ۱۴۴۹۸۶؛ ۱۳۳۲/ ۱۴۴۹۸۴). پیگیری برگزاری مقاطع بالاتر آموزشی مانند برگزاری کلاس‌های پنجم دبستان در روستا از وظایف کدخدا بود که درخواست اهالی روستا را به رئیس اداره فرهنگ فریدن، اطلاع‌رسانی می‌کرد. (۱۳۳۴ش/ ۱۴۵۰۰۲)

یکی از مسائلی که احتمالاً فقط در روستاهای معدودی همچون ده زرنه جزو وظایف کدخدا بود، انتخاب معلمان دروس مذهبی برای تدریس به اقلیت‌های دینی بود که اینجا مراد، مسیحیان ارمنی است (۱۳۳۶ش/ ۱۴۵۰۲۹). شیوه کار به این صورت بود که مدیر دبستان زرنه، آموزگاری را به هیئت روستا و کدخدا معرفی می‌کرد. بعد از انتخاب و شروع به کار این معلمان، کفیل دبستان، گزارش کار این مدرسان را به هیئت روستا و نه اداره فرهنگ، ارائه می‌کرد. دلیلش هم این بود که استخدام یک معلم مذهبی ارمنی مسیحی احتمالاً

موازی مانند دهدار و واگذاری مسئولیت‌های روستا به بخشدار کم‌رنگ شد. این امر مداخله کدخدایان سابق روستای زرنه را در پی داشت (۱۳۳۴ش/ ۱۴۵۰۱۶). افرادی همچون خاچیک طهماسیان، ست نظریان و واهان میرزاخانیان، تعهد دادند که بدون اجازه کتبی از هیئت کارگزاران مدارس ملی آرامنه جلفا، در امور روستای زرنه دخالت نکنند (۱۳۳۶ش/ ۱۴۵۰۳۱). ناگفته نماند که بسیاری از کدخدایان، در دوره‌های بعدی در نقش دهدار به فعالیت‌های اجرایی در روستاها ادامه دادند که نمونه مشخص آن، خاچیک طهماسیان، کدخدای پیشین و دهدار بعدی روستای زرنه بود. (۱۳۲۲ش/ ۱۴۴۹۲۰)

۵. وظایف فرهنگی - آموزشی

کدخدای روستای زرنه وظایفی در حوزه‌های آموزش و فرهنگ برعهده داشت که به نظر می‌رسد در آثار تألیفی و پژوهشی منتشر شده تا به امروز، مغفول مانده است. یکی از مسئولیت‌های مهم او نظارت بر بهداشت عمومی و تأسیس مدارس جدید بود. تلاش‌های خاچیک طهماسیان در مقام کدخدای روستا، در راستای افتتاح دبستان و ارتقای بهداشت عمومی، قدردانی اداره فرهنگ اصفهان را در پی داشت (۱۳۱۹ش/ ۱۴۴۸۸۴). از سوی دیگر، کدخدا مکلف بود به دستور فرمانداری اصفهان که توسط بخشدار فریدن به او ابلاغ شد، جهت تعطیلی اجباری مکتب‌خانه روستا و بازگشایی دبستان برای دانش‌آموزان، عمل (۱۳۲۰ش/ ۱۴۴۹۰۴) و تأسیس بنای مدرسه جدید را به بخشدار فریدن گزارش کند

یک کار داخلی بود. به این جهت پرداخت حقوق معلم مذهبی ارامنه از صندوق تعاون محل، تأمین می‌شد که کدخدا و هیئت روستا بر آن نظارت داشتند. (۱۳۳۲ش/۱۴۴۹۸۲)

چنانچه معلمی غیبت داشت، مورد توبیخ ریش سفیدان و کدخدای روستا قرار می‌گرفت (۱۳۳۶ش/۱۴۵۰۳۰). چنانچه معلمان مسیحی به خاطر توهین به ادیان دیگر، غیبت غیرموجه (۱۳۳۶ش/۱۴۵۰۳۰) یا تحریک مذهبی روحیه دانش‌آموزان مقصر شناخته می‌شدند، از سوی مدیر مدرسه (۱۳۲۹ش/۱۴۴۹۵۶) و گاهی اولیاء دانش‌آموزان (۱۳۳۹ش/۱۴۵۰۴۷) نامه‌ای به کدخدا نوشته می‌شد و معلم خاطی بلافاصله از شغل خود، اخراج می‌شد؛ چنانچه در سندی عیناً ذکر شده است که ست نظریان، معلم مدرسه زرنه، به علت توهین به ادیان دیگر از فعالیت در مدرسه منع شده است (۱۳۳۵ش/۱۴۵۰۲۰). ظاهراً جز توهین به ادیان دیگر که گاهی دبیران مذهبی مرتکب می‌شدند، تدریس زبان ارمنی هم جزو فعالیت‌های ممنوعه بوده که از سوی مدیر دبیرستان زرنه به کدخدا گزارش شده است. این گزارش‌ها به قدری دقیق است که غیبت غیرموجه دانش‌آموزان، تعیین زمان نام‌نویسی آنها در مدرسه، مو به مو به کدخدای ده، خاچیک طهماسیان، اعلام می‌شده است (۱۳۳۵ش/۱۴۵۰۲۱)؛ گویی مدیریت و نظارت واقعی مدرسه با اوست. کدخدای زرنه حتی به تخلفات مدیر مدرسه نیز رسیدگی می‌کرد و شکایات خود را به رئیس فرهنگستان اصفهان در خصوص تخلفات او ارسال می‌کرد. (۱۳۳۱ش/۱۴۴۹۷۳)

یکی دیگر از فعالیت‌های فرهنگی که از همان ابتدای حکومت پهلوی بر دوش کدخدایان نهاده شد، سیاست تغییر لباس بود. سیاست مذکور با شدت از سوی دولت پیگیری می‌شد. ظاهراً نخستین نامه‌نگاری‌های دولتی به کدخدایان منطقه از سال ۱۳۱۴ شروع شده که در آن به ریش سفیدان و اهالی در خصوص متحدالشکل کردن لباس دستوراتی صادر کرده است (۱۳۱۴ش/۱۴۴۸۶۳). کدخدا موظف بود علاوه بر تشویق اهالی به استفاده از لباس‌های متحدالشکل، گزارشی از افراد متخلف به این قانون، تهیه و به بخشداری فریدن اصفهان ارسال کند (۱۳۱۹ش/۱۴۴۸۹۰). در کنار بخشداری فریدن که نامه‌هایی در خصوص متحدالشکل کردن لباس اهالی روستای زرنه صادر می‌کرد (۱۳۲۰ش/۱۴۴۸۹۶)، کشیش کلیسا و معتمدین محلی در این کار جدیت داشتند. (۱۳۲۰ش/۱۴۴۸۹۴)

۶. مسئولیت‌های اقتصادی

به‌احتمال مهم‌ترین وظیفه کدخدا در دوره پيشامدرن، جمع‌آوری مالیات و سهم مالکانه بود (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۶۱) که از روستاییان اخذ می‌شد. علاوه بر آن پیشکش‌هایی به نام‌های مختلف از روستاییان به عنف گرفته می‌شد که در دوره پهلوی حذف شد. مسئولیت مزبور با توجه به اسناد روستای زرنه، ظاهراً به طریق دیگری ادامه یافت.

به نظر می‌رسد روستای زرنه در دهه ۱۳۲۰ با قحطی و خشکسالی و مهاجرت روستاییان دست

همچنان این وظیفه به عهده منصب جدید، رئیس انجمن روستای زرنه، خاچیک طهماسیان باقی ماند (۱۳۴۳/۱۳۵۰۶۰). دستور توزیع گندم و اجازه برداشت محصول تریاک به صورت مستقیم از فرمانداری و کمیسیون‌های ذی‌ربط به کدخدا ابلاغ می‌شد (۱۳۲۷ش/ ۱۴۴۹۴۵؛ ۱۳۴۴ش/۱۴۵۰۶۱). البته در بین این نامه‌نگاری‌های متقابل بین کدخدا و حکومت، برخی از هیئت‌های فعال در روستا، نامه‌هایی موازی با درخواست‌های کدخدا به فرمانداری می‌نوشتند. به عنوان مثال نامه‌ای در دست است که نشان می‌دهد هیئت کارگزاران دبستان‌های ملی ارامنه، به فرمانداری فریدن، جهت تحویل بذر به کشاورزان روستای زرنه نوشته‌اند (۱۳۲۹ش/۱۴۴۹۵۷). در خرید و فروش محصولات آن‌طور که از اسناد این روستا برمی‌آید، حکومت طرف روستاییان را می‌گرفت. به عنوان نمونه فرمانداری فریدن تأکید داشت که مالکان حق ندارند محصولات زراعی روستاییان را به نرخ سال گذشته بخرند (پهلوی دوم/۱۴۵۰۷۹). آگاهی بخشی در حوزه کشاورزی و پیرامون آن از طریق ارسال مجله برزگر به تمامی روستاها انجام می‌شد. (۱۳۳۶ش/۱۴۵۰۳۲)

کدخدا مسئولیت‌هایی در حوزه پرداخت بهره مالکانه روستا برعهده داشت. نحوه کار به این صورت بود که اداره دارایی شهرستان فریدن نامه‌هایی درخصوص تعیین مبلغ بهره مالکانه، تأدیه مالیات املاک مزروعی و اجرای قانون مالیات بر درآمد به کدخدا می‌نوشت (۱۳۳۵ش/۱۴۵۰۲۴). تعیین دقیق این مبالغ از سوی بنگاه عمرانی وزارت کشور صادر می‌شد که به

و پنجه نرم می‌کرد و از سوی دیگر با تعدی اهالی روستای آغچه‌فریدن به زمین‌های روستا مواجه بود (۱۳۲۱ش/۱۴۴۹۱۲). در حوزه اختیارات کدخدای ده، خاچیک طهماسیان بود که به بالاترین مرجع دولتی، یعنی نخست وزیر وقت؛ حسن علی منصور نامه‌نگاری و درخواست کمک کند (۱۳۲۳ش/۱۴۴۹۲۵). از سوی دیگر منصب خلیفه‌گری ارامنه ایران و هندوستان در جلفای اصفهان به استاندار استان دهم، نامه‌هایی در خصوص کمک‌های مالی و جنسی به ارامنه فریدن نوشت (۱۳۲۸ش/۱۴۴۹۵۵). بخشدار و فرماندار منطقه فریدن بر میزان مبادلات و کمک‌های مالی بین خلیفه‌گری اصفهان و روستای زرنه و به عبارت دیگر، فعالیت‌های خیریه و کمک‌رسانی‌ها بین خلیفه‌گری و کدخدای زرنه نظارت داشتند. (۱۳۲۸ش/ ۱۴۴۹۴۸؛ ۱۳۲۳ش/ ۱۴۴۹۲۴)

خاچیک طهماسیان در مقام کدخدای روستای زرنه وظایف خاص اقتصادی در حوزه مربوط به معامله محصولات روستا ایفا می‌کرد. او پیگیر تعیین نرخ اجناس و محصولات زراعی از حکمران و مأمور صلح منطقه فریدن بود (۱۳۱۳ش/۱۴۴۸۵۳) و پیش از آن می‌باید موجودی انبارها و میزان فروش صیفی‌جات را به بخشداری آخوره اصفهان اعلام می‌کرد (۱۳۳۱-۱۳۳۲ش/۱۴۴۹۷۲). کدخدا همچنان که بر عدم حمل گندم تولیدی به خارج از روستا نظارت داشت، مسئول توزیع جیره گندم دولتی به روستای خود بود. (۱۳۱۶-۱۳۱۹ش/۱۴۴۸۸۸). بعدها که نقش کدخدا کمرنگ و در نهایت حذف شد،

بهره مالکانه و امور عمرانی روستاها مربوط بود (۱۳۳۲/ش/۱۴۴۹۹۱). کدخدا و گاهی هیئت خلیفه-گری آرامنه به اداره مالیه اصفهان، درخصوص پرداخت بهره مالکانه تعهداتی می‌دادند (۱۳۱۶-۱۳۲۰/ش/۱۴۴۸۷۷، ۱۳۱۲/۱۴۴۸۴۸) و در مقابل مستقیماً بر جمع‌آوری آن نظارت داشتند و در این خصوص دستوراتی به روستاییان صادر می‌کردند (۱۳۳۳/ش/۱۳۲۸، ۱۴۴۹۹۳/ش/۱۴۴۹۵۲). با این حال، گاهی مشکلاتی در پرداخت‌ها پیش می‌آمد که از کارشکنی‌ها و درگیری کدخدایان قدیم با جدید سرچشمه می‌گرفت (۱۳۴۵/ش/۱۴۵۰۶۶). زمانی که بهره مالکانه به تمامی، جمع‌آوری می‌شد به پاسگاه ژاندارمری روستای ازناوله منطقه فریدن تحویل داده می‌شد. (۱۳۳۲/ش/۱۴۴۹۷۸)

به تدریج آن‌گونه که از اسناد بر می‌آید شورای انجمن روستای زرنه در راستای اصلاحات ارضی، صورت جلسه‌هایی جهت افزایش سهم کشاورزان مصوب کرد (۱۳۳۱/ش/۱۴۴۹۷۵). در دهه بعد بود که تقسیم اراضی و فروش املاک به زارعان مستأجر، با کمک وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی، شتاب بیشتری گرفت (۱۳۴۸/ش/۱۴۵۰۷۲). در همین زمان روستاییان زرنه به ساکسیان نماینده اقلیت آرامنه جنوب، نامه-هایی نوشتند و از او برای برخورداری از منافع انقلاب سفید و جلوگیری از مهاجرت مردم به شهرستان‌ها و ترویج کشاورزی کمک خواستند. (۱۳۴۸/ش/۱۴۵۰۸۸)

۷. نظارت بر امور عمرانی و بهداشتی

برنامه‌های عمرانی شورای روستای زرنه به

این صورت بود که بخشدار آخوره اصفهان به شورای ده نامه‌ای می‌نوشت که چگونه برنامه عمرانی در منطقه‌اش را با در نظر گرفتن گزارش درآمد سال قبل روستا پیش ببرد (۱۳۳۲/ش/۱۴۴۹۸۱). از سوی دیگر، صندوق تعاون و عمران در هر روستا وجود داشت که به تناسب فعالیت‌های عمرانی از آن برداشت می‌شد. در روستای زرنه نیز نظارت بر پرداخت سهم صندوق از سوی فرماندار شهرستان فریدن صورت می‌گرفت و آمار وصولی به آن اعلام می‌شد تا از تخطی احتمالی مالکان زمین‌ها جلوگیری کند (۱۳۳۳/ش/۱۴۴۹۹۶). جمع‌آوری ده درصد صندوق تعاون و عمران در راستای فعالیت‌های اقتصادی دولت سپهد زاهدی از روستاها ضروری بود و هر فردی در جمع شدن نامنظم این مبالغ تبانی می‌کرد، مورد تعقیب مأموران دولتی قرار می‌گرفت. نظارت بر اجرای این قوانین، برعهده کدخدا بود (۱۳۳۲/ش/۱۴۴۹۹۴). تقریباً تمامی فعالیت‌های عمرانی در این مقطع زمانی در روستاها با نظارت و توصیه‌های اجباری دولت صورت می‌گرفت. به عنوان نمونه بخشدار فریدن در سال ۱۳۱۹، فرمانی مبنی بر مرمت راه شوسه و تعمیر حمام روستا را به کدخدا صادر کرد که می‌باید به دست رعایا و کشاورزان انجام شود (۱۳۱۹/ش/۱۴۴۸۸۷). بنابراین ادارات دولتی مانند فرمانداری فریدن اصفهان درباره چگونگی استفاده از موجودی صندوق روستاها، به صورت مستقیم دستوراتی صادر می‌کردند (۱۳۳۲/ش/۱۴۴۹۷۹). چنانچه روستاییان از پس هزینه‌های تعمیر برنمی‌آمدند، کدخدا مسئول

روستا نظارت داشت و چنانچه تخلفی می‌دید گزارش می‌کرد (بی‌تا/ ۱۴۵۰۸۷). خاچیک طهماسیان همچنین بر سرجوی‌های روستای زرنه و امور بهداشتی مربوط به آن نظارت داشت و چنانچه افرادی در بهداشت منطقه اختلال ایجاد می‌کردند و باعث ایجاد هرج و مرج در روستا می‌شدند به دادگاه بخش فریدن اطلاع‌رسانی می‌کرد و در این خصوص شکوائیه‌ای نوشته می‌شد. (۱۳۳۹ش/ ۱۴۵۰۴۳)

۸. حفظ نظم و امنیت اجتماعی

حفظ نظم در روستا از سوی کدخدا در تعامل با حکومت امکان‌پذیر بود. او در عصر پهلوی با کمک بخشداری، فرمانداری و شهربانی به مسئولیت‌های خود عمل می‌کرد و نقشی مهم در مدیریت روستا داشت. با این حال به نظر می‌رسد، فشاری که در گذشته از سوی عشایر و گروه‌های نظامی به روستا و کدخدا وارد می‌شد، در این زمان با توجه به غیبت داده‌ها در اسناد که احتمالاً متأثر از تأسیس یک حکومت متمرکز قدرتمند بوده، دیگر وجود ندارد یا به حداقل رسیده است. کدخدای روستا مهم‌ترین نقش را در ارائه آمار دقیق سرشماری ساکنان به دولت برعهده داشت که به‌طور مشخص، از طریق قانون کدخدایی به او محول شده بود (یوسفی‌فر؛ جنگجو، ۱۳۹۳: ۳۹). در روستای مزبور هم نحوه کار به این صورت بود که اداره آمار و ثبت احوال فریدن اصفهان به خاچیک طهماسیان نامه‌ای مبنی بر درخواست ارائه گزارش موالید و فوتی، ازدواج و طلاق‌ها و امور مربوط به شناسنامه اهالی ارسال می‌کرد

اطلاع‌رسانی به فرمانداری بود (۱۳۲۸ش/ ۱۴۴۹۹۹). با این حال در بیشتر موارد با کمک کلیسای محلی، کمک‌های خیریه و برداشت از صندوق انجمن، کدخدا می‌توانست به تأسیس ساختمان بهداشتی و اتاق مدرسه به‌رغم کارشکنی‌ها و مخالفت برخی از اعضای انجمن، نائل شود (۱۳۴۵- ۱۳۴۶ش/ ۱۴۵۰۶۷). صندوق انجمن ده با کمک افتخاری روستاییان و مغازه‌داران قادر بود تاحدی فعالیت‌های عمرانی در روستا و پیرامون آن انجام دهد (۱۳۳۳ش/ ۱۴۴۹۹۲). علاوه بر این فعالیت‌ها، انجمن روستای زرنه ملزم بود هر ساله گزارشی از کارکردهای عمرانی‌اش را به بخشداری فریدن اصفهان ارسال کند. (۱۳۴۶ش/ ۱۴۵۰۷۰)

در حوزه امور بهداشتی هم، کدخدا بر سلامت روستاییان نظارت داشت. خاچیک طهماسیان مسئولیت داشت تا شیوع بیماری در روستا را به نایب‌الحکومه فریدن اطلاع دهد (۱۳۱۴ش/ ۱۴۴۸۵۸). او همچنین متصدی دفتر حکومتی روستا در خصوص آبله‌کوبی اهالی و انتقال بیماران به خارج از حوزه زرنه بود (۱۳۱۵/ ۱۴۴۸۶۹). در این زمینه به‌طور مثال به اداره بهداشتی شهرستان و سازمان همکاری بهداشت، نامه‌ای نوشت و در آن از شیوع سرخک و میزان تلفات و تبعات آن، گزارش داد (۱۳۳۵- ۱۳۳۶ش/ ۱۴۵۰۲۶). نکته دیگری که نباید آن را نادیده گرفت، مسئولیت کدخدا در برقراری ارتباط بین اهالی روستا و بیمارستان ارامنه فریدن بود که اهمیت بسیاری داشت (۱۳۳۲- ۱۳۴۱ش/ ۱۴۴۹۸۳). او همچنین بر عملکرد سپاهی بهداشت و برخورد نامناسب احتمالی آنها با اهالی

(۱۳۰۷-۱۳۲۱ش/۱۴۴۸۴۶). تأکید زیادی از سوی نمایندگان اداره مزبور وجود داشت که این گزارش‌ها به موقع از سوی خاچیک طهماسیان اعلام شود (۱۳۲۲/۱۴۴۹۲۰). بنابراین هر ساله کفیل اداره ثبت احوال فریدن اصفهان، به صورت حضوری کدخدایان منطقه را احضار و گزارش‌ها را دریافت می‌کرد (۱۳۲۰ش/۱۴۴۸۹۵). از اسناد به-دست آمده مشخص می‌شود که گاهی مسیحیان منطقه به دلیل عدم ثبت ازدواجشان توسط اشکال تراشی‌های هیئت مذهبی ارامنه جلفای اصفهان به دین اسلام گرویده‌اند. (۱۳۴۱ش/۱۴۵۰۵۴)

یکی از وظایفی که در دوره معاصر به عهده کدخدا گذاشته شد، سربازی‌گیری از روستاها بود که ظاهراً از زمان امیرکبیر رایج اما در عصر پهلوی، اجباری شد. در راستای ارائه سرشماری سالانه، فراخوانی مشمولان نظام وظیفه روستاها نیز با کدخدا بود. او باید از تمام امور مربوط به مشمولان و سربازان اطلاع کافی می‌داشت. (یوسفی‌فر؛ جنگجو، ۱۳۹۳: ۴۰)

در این زمینه خاچیک طهماسیان مسئول نظم‌بخشی به سربازدهی روستای زرنه بود (۱۳۲۰-۱۳۴۰ش/۱۴۴۹۰۱). گزارش‌هایی از خاچیک طهماسیان به شهربانی استان اصفهان موجود است که در آن کدخدا از چند نفر ارمنی نام برده است که قصد تحریک جوانان و روستاییان برای مهاجرت به ارمنستان داشته‌اند. (۱۳۴۲ش/۱۴۵۰۵۶)

۹. نمایندگی و نظارت بر انتخابات

در دوره حکومت پهلوی، کدخدایان روستا نقش ناظران بر انتخابات مجلس شورای ملی را

داشتند، حتی آن زمان که منصب کدخدا حذف و به جای آن رئیس انجمن ده جایگزین شده بود. کدخدا به‌عنوان کارمند انجمن فرعی انتخابات فریدن اصفهان فعالیت می‌کرد که از سوی بخشدار فریدن انتخاب می‌شد (۱۳۲۰ش/۱۴۴۹۰۵؛ ۱۳۴۲-۱۳۴۳/۱۴۵۰۵۵). برای ارتباط بیشتر کدخدا با سازمان‌های دولتی، بخشدار فریدن، خاچیک طهماسیان را به‌عنوان کارمند افتخاری کلپ فریدن انتخاب می‌کرد. (۱۳۲۰ش/۱۴۴۸۹۳)

کدخدا مسئولیت معرفی و گزارش وضعیت متهمان در روستا را به دادگاه بخش فریدن نیز برعهده داشت. چنانچه از اهالی، فردی به دادگاه فریدن احضار می‌شد، کدخدا تعهد احضار او را به دادگاه در صورت نیاز عهده‌دار می‌شد (۱۳۱۹-۱۳۲۰ش/۱۴۴۸۸۶؛ ۱۳۱۵-۱۳۳۴ش/۱۴۵۰۱۵). او ملتزم بود افراد متخلف را شخصاً به ژاندارمری یا دادگاه تحویل دهد (۱۳۱۵ش/۱۴۴۸۷۰). حلقه واسطه بین هیئت کارگزاران مدارس جلفا و اهالی با ژاندارمری میانداشت اصفهان بر سر مسائل مربوط به سرقت و شرارت در روستا، کدخدا بود (۱۳۳۴ش/۱۴۵۰۱۳؛ ۱۳۴۳ش/۱۴۵۰۵۷). در معنای کلی او موظف بود اموال مسروقه را پیدا کند (آرشو سازمان اسناد ملی، ۲۹۵۰۰۱۲۱۷). علاوه بر آن مسئولیت جلوگیری از ورود اجناس قاچاق و ممنوعه به روستا از سوی یهودیان و کردها، مستقیماً برعهده کدخدایان بلوک فریدن بود (۱۳۱۴ش/۱۴۴۸۶۲). به عبارت دیگر نظارت بر عبور و مرور مسافران بیگانه در روستا از وظایف کدخدا بود که او را ملزم به ارائه گزارش به حکومت می‌کرد.

۱۰. نتیجه

تمرکز قدرت در عصر پهلوی به مسئولیت‌ها و نظارت‌های منصب کدخدای روستا افزود. اسناد خاچیک طهماسیان، کدخدای روستای زرنه اصفهان، به روشنی نشان می‌دهد که مناسبات و وظایف او در جامعه روستایی و ارتباط او با حکومت پهلوی چه بوده و چه تغییراتی را در مقایسه با دوران پیشامدرن تجربه کرده است. کدخدا علاوه بر نقش سنتی‌اش در گرفتن مالیات از روستاییان، نقش‌های بیشتری در تعامل بین مردم روستا و حکومت پهلوی برعهده گرفت که پیش از آن وجود نداشت. اسناد به روشنی نشان می‌دهند که گستردگی این نظارت‌ها شامل وظایف عمومی، فرهنگی و آموزشی، اقتصادی و اجتماعی و همچنین مسئولیت‌های بهداشتی و نظارت بر انتخابات و ارائه گزارش‌های جزئی و دقیق سالانه در این زمینه‌ها به حکومت مرکزی است که در سفرنامه‌ها و تاریخ‌نویسی‌های رسمی به چشم نمی‌خورد. در عصر پهلوی نظارت‌های کدخدا در روستا بیشتر شد و به همان نسبت او را بدل به یک کارگزار صرفاً دولتی کرد.

منابع

آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹). *تاریخ مدرن ایران*. ترجمه م. ا. لیلایی. تهران: نشر نی.

آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۷). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی و لیلایی. چاپ چهاردهم. تهران: نشر نی.

اوبن، ژان (۱۳۶۲). *ایران امروز*. ترجمه ع. ا. سعیدی. تهران: زوار.

بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین (۱۳۸۳). *تاریخ بیهقی*. تصحیح علی اکبر فیاض. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

پری، جان (۱۳۸۲). *کریم خان زند*. ترجمه علی محمد ساکی. تهران: آسونه.

سیوری، راجر (۱۳۸۹). *ایران عصر صفوی*. ترجمه کامبیز عزیزی. تهران: مرکز.

بختیاری، محمد؛ آبادیان، حسین؛ یوسفی‌فر، شهرام (۱۳۹۳). «منصب کدخدا در جامعه روستایی دوره قاجار». *تهران: مجله تاریخ اسلام و ایران*. ش ۲۲. پیاپی ۱۱۲. ص ۴۷-۷۲.

یوسفی‌فر، شهرام؛ جنگجو، شهرناز (۱۳۹۳). «جایگاه و ساختار منصب کدخدا در مدیریت روستایی ایران از مشروطه تا پایان حکومت پهلوی اول». *اصفهان: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*. ش ۳. پیاپی ۲۳. ص ۲۷-۴۸.

صالح‌نژاد، نرگس؛ یحیایی، علی؛ ابوالبشری، پیمان (۱۳۹۱). «کدخدا در دوره قاجاریه». *مشهد: مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ*. ش پیاپی ۸۸. ص ۱۳۷-۱۵۶.

سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان‌قدس - رضوی (ساکماق) اسناد شماره: ۱۴۵۰۷۷، ۱۴۴۸۴۷، ۱۴۵۰۵۸، ۱۴۴۹۲۲، ۱۴۴۹۲۶، ۱۴۴۸۷۸، ۱۴۴۹۲۱، ۱۴۵۰۸۹، ۱۴۴۹۱۷، ۱۴۴۸۵۶، ۱۴۴۹۲۳، ۱۴۵۰۵۹، ۱۴۴۹۲۷، ۱۴۵۰۲۷، ۱۴۵۰۴۹، ۱۴۵۰۶۸، ۱۴۵۰۱۶، ۱۴۵۰۳۱، ۱۴۴۹۲۰، ۱۴۴۸۸۴، ۱۴۴۹۰۴، ۱۴۴۸۸۳، ۱۴۴۹۸۵، ۱۴۴۹۸۴، ۱۴۴۹۸۱، ۱۴۴۹۷۰، ۱۴۴۹۸۶، ۱۴۴۹۸۴، ۱۴۵۰۰۲، ۱۴۵۰۲۹، ۱۴۴۹۸۲، ۱۴۵۰۳۰، ۱۴۴۹۵۶، ۱۴۵۰۴۷، ۱۴۵۰۲۰، ۱۴۵۰۲۱، ۱۴۴۹۷۳، ۱۴۴۸۶۳، ۱۴۴۸۹۰، ۱۴۴۸۹۶، ۱۴۴۸۹۴، ۱۴۴۹۱۲، ۱۴۴۹۲۵، ۱۴۴۹۵۵، ۱۴۴۹۴۸، ۱۴۴۹۲۴، ۱۴۴۸۵۳، ۱۴۴۹۷۲، ۱۴۴۸۸۸، ۱۴۵۰۶۰، ۱۴۴۹۴۵، ۱۴۴۹۵۷، ۱۴۵۰۷۹، ۱۴۵۰۳۲، ۱۴۵۰۲۴، ۱۴۴۹۹۱

۱۴۵۰۱۵، ۱۴۴۸۸۶، ۱۴۴۸۹۳، ۱۴۵۰۵۵، ۱۴۴۹۰۵، ۱۴۵۰۶۶، ۱۴۴۹۵۲، ۱۴۴۹۹۳، ۱۴۴۸۴۸، ۱۴۴۸۷۷
۱۴۴۸۶۲، ۱۴۵۰۵۷، ۱۴۵۰۱۳، ۱۴۴۸۷۰، ۱۴۴۹۸۱، ۱۴۵۰۸۸، ۱۴۵۰۷۲، ۱۴۴۹۷۵، ۱۴۴۹۷۸
مرکز سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. اسناد شماره: ۱۴۴۹۹۹، ۱۴۴۹۷۹، ۱۴۴۸۸۷، ۱۴۴۹۹۴، ۱۴۴۹۹۶
۲۹۵۰۰۱۲۱۷، ۲۹۶۰۰۶۴۷، ۱۴۴۸۶۹، ۱۴۴۸۵۸، ۱۴۵۰۷۰، ۱۴۴۹۹۲، ۱۴۵۰۶۷
Floor, Willem and Elr, "KADKHODA" Iranica, ۱۴۴۸۴۶، ۱۴۵۰۴۳، ۱۴۵۰۸۷، ۱۴۴۹۸۳، ۱۴۵۰۲۶
2009. ۱۴۵۰۵۶، ۱۴۴۹۰۱، ۱۴۵۰۵۴، ۱۴۴۸۹۵، ۱۴۴۹۲۰